



Doc Number: KP000218

کوردستان

ارگان کیم مرکزی ضرب دمکرات کردستان ایران

شماره: ۱۰۹ . آبان و آذرماه ۱۳۶۴ - نوامبر و دسامبر ۱۹۸۵ . بها: ۵۰ ریال

اهمیت مبارزه منقشی در کردستان

درنگاهی به وضع عمومی نیروهای رژیم در کردستان، نخستین چیزی که باید بدان اشاره کرد آنستکه در حال حاضر رژیم جمهوری اسلامی نزدیک به دویست هزار نفر افراد مسلح خود را در سراسر کردستان پختی نموده است. میتوان گفت که اکنون کمتر روستای سش از چهل پنجاه خانواری را در کردستان میتوان یافت که پایگاهی در آن مستقر نشده باشد. روستاهایی هم که کوچکترند یا بدلیل گوناگون مناسب برای استقرار پایگاه بنظر نمیروند یا سانی و خونردی از سوی رژیم ویران شده یا تاش کشیده میشوند و ساکنان آنها مجبور به آوارگی و دربدری میگرددند. بدیهی

بقیه در صفحه ۶

بسوی کنگره هفتم

امسال سال کنگره حزب است. بنابر اساسنامه هر دو سال یکبار کنگره حزب برگزار میگردد تا درباره سیاست حزب در دو سال گذشته به بررسی بپردازد. منی آینده حزب را تعیین نماید و ارگانهای رهبری حزب را برگزیند.

حزب دمکرات تنها سازمان سیاسی ابوزیسون ایرانی است که بدنبال سرنگونی رژیم سلطنتی کنگره های خود را بطور مرتب برگزار میکند و هیچ شرایط دشوار تاکنون نتوانسته است

بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- * اطلاعیه های رسمی حزب ۱۴
- * فلسطینیان در چه حالند؟ ۲۳
- * " ترور " و " تروریزم " ۲۹

مصاحبه با مجله

الیوم السایع

بقیه در صفحه ۹



بسوی کنگره هفتم —————
 موجب آن گردد که حزب ما از اصول
 و مکراسی چشم پوشی کند و کنگره های
 خود را تشکیل ندهد و یا آنها را به
 تمویق بیانند از . برگزاری کنگره های
 حزب بصورتی مرتب و یگانه ای کاملاً
 و مکرانیک نشانه ایمان عمیق رهبری
 و همه کارها و اعضای حزب به
 و مکراسی داخلی در حزب و به
 تصمیم گیری آزادانه بطور کلی است .
 امسال نیز کنگره در شرایطی
 برگزار میگردد که رژیم ضد خلقی خمینی
 کردستان را کاملاً میلیتاریزه کرده
 و همه نقاط را با شبکه های اپایگاه های
 نظامی پوشانده است . باعتراف رسمی
 مقامات جمهوری اسلامی ، در حال حاضر
 رژیم نزدیک به سه هزار پایگاه نظامی
 در سراسر کردستان دارد . تاکنون
 بسیاری از کنفرانس های منطقه ای حزب
 در بغل گوتش این پایگاهها و تحت
 حفاظت پیشمرگان حزب بانجام
 رسیده اند که در آنها هم بحث درباره
 مشی سیاسی آینده حزب مطرح گشته

و نمایندگان بمنظور شرکت در کنگره
 هفتم انتخاب شده اند و هم درباره
 مشکلات و مسائل ویژه منطقه گفتگو
 بعمل آمده و اعضای کمیته شهرستان
 تعیین گشته اند . تا هنگام نوشتن این
 سطور همه کنفرانس های برگزار شده متفقاً
 مشی سیاسی پیشنهاد شده را تصویب
 کرده اند که این نشانه وحدت سیاسی
 و یکپارچگی در صفوف حزب مکررات
 است . بعلاوه همچنانکه گفته شد
 سازمانهای حزبی به شیوه ای و مکرانیک
 و یا رأی مخفی نمایندگان خود را برای
 شرکت در کنگره هفتم برگزیده اند و
 بدین ترتیب مقدمات برگزاری کنگره
 هفتم بانجام رسیده است .

کنگره هفتم تنها برای فرمالیته یا
 تظاهر برگزار نمیکرد ، بلکه کار زیاری
 در پیش و وظیفه سنگینی برعهده دارد .
 کنگره باید همه تجربیات دو سال
 گذشته را مورد توجه و بررسی قرار
 دهد و در پرتو بررسی ها و درسهای
 آموخته شده از مبارزات گذشته ، مشی
 سیاسی آینده حزب را تا کنگره هشتم
 تعیین کند و وظایف مبارزاتی حزب



د مکرات . کنفرانسهای حزبی عموماً سیاست حزب را نسبت به مجاهدین خلق و نیز موضع حزب را در برابر جنگ با سازمان پولیوتی تأیید کرده‌اند ، معهدا در باره هردو این مسائل کنگره بعنوان عالیترین ارگان حزب باید نظر بدهد .

اکنونکه حزب د مکرات از نظر سیاسی وحدت عالیتری یافته و از این نظر مشکلات داخلی خود را تا حد زیادی برطرف نموده است ارتقاء کیفیت فعالیت تشکیلاتی سازمانهای حزبی و مبارزه نظامی نیروی پیشمرگ چون دو مسأله بسیار اساسی در کنگره هفتم به بحث گذاشته خواهند شد . بدون شک کنگره توجه شایسته‌ای به بهبود کیفیت فعالیت تشکیلاتی بطور کلی و بویژه در داخل شهرهای کوردستان مبذول خواهد داشت . همچنین برآورد بیلان پیاده کردن کامل تاکتیک جنگ پارتیزانی که کنگوه ششم در باره آن قرار داد صادر کرده بود از وظایف مهم کنگره است . تغییر تاکتیک جنگ با رژیم کار آسانی نبود

را بطور کلی مشخص نماید . کنگره هفتم پس از آنکه اوضاع ایران بالعصوم و کوردستان بالخصوص و نیز وضع سیاسی جهان را تحلیل کرد ، موضع حزب را هم در برابر رژیم خمینی و هم در مقابل سازمانهای گوناگون سیاسی اپوزیسیون تعیین می کند . در مرحله کنونی ، سیاست حزب در مقابل سازمانهای کوردستانی و همچنین در قبال نیروهای خاورمیانه و بین‌المللی بل در نظر گرفتن همه گونه تغییرات احتمالی باید مشخص گردد .

یکی از وظایف اساسی کنگره هفتم تعیین رهنمودهایی برای پی‌ریزی همکاری با نیروها و سازمانهای جمهوریخواه ، مترقی و د مکرات بمنظور فراهم آوردن شرایط سرنگونی رژیم است .

دو رویداد تازه پس از کنگره ششم هم باید مورد بحث نمایندگان کنگره هفتم قرار بگیرند : نخست خروج حزب از شورای ملی مقاومت ، دوم - جنگ تحمیل شده از سوی سازمان پولیوتی کومهله بر مردم کوردستان و حزب



و بعضی از نیروهای پیشمرگ را دچار مشکلاتی نمود. لیکن در مرحله فعلی مبارزه مردم کردستان این تغییر تاکتیک یک ملزومیت تاریخی بود و امروز با رضایت میتوانیم بگوئیم که روی هم رفته در سراسر کردستان این تغییر بانجام رسیده است و موفقیت بزرگی بهمراه داشته است.

آخرین وظیفه کنگره انتخاب ارگانهای رهبری حزب است. اعضای ارگانهای رهبری حزب نایستگی و فداکاری خود را تا کون نشان دادند. در فاصله بین کنگره ششم و هفتم سه عضو کمیته مرکزی، یک عضو علی البدل، یک مشاور کمیته مرکزی، دو مسئول کمیته شهرستان و چهار تن از فرماندهان نیرو به شهادت رسیدند. کنگره در انتخاب کمیته مرکزی بایستی دو معیار را در نظر بگیرد: نخست - باید کسانی را برگزیند که به مشی حزب و مکررات وفادارند، گذشته طولانی مبارزه و تجربه راپشت سر دارند و سالها است با فداکاری در راه تحقق آرمانهای حزب تلاش

میورزند. دوم - در عین حال باید جوانان شایسته‌ای را نیز انتخاب کند که از بویه آزمایش سر بلند برآمده‌اند، از نیرو و انرژی فراوان برخوردارند، آماره فداکاری هستند، سعی و مکررات دارند و امیدهای آینده حزب و خلق‌اند یک حزب انقلابی بمانند هر ارگانیزم زندگی‌های احتیاج به خون تازه دارد و نظیر هر پدیده تاریخی در حال رشد و شکوفایی است. اعضای تازه‌ای بوی می‌پیوندند تا جای شهدا و آنانی را که توانایی کارشان کمتر شده است بگیرند. یک حزب انقلابی اگر میخواهد انقلابی بماند باید انقلابی‌ترین قشر جامعه یعنی جوانان را در صفوف خود گرد آورد. بایستی از تجربه اعضای قدیمی و نیرو و انرژی جوانان بموازات هم بهره‌گیرد.

کنگره هفتم از یک جهت بایستی کنگره‌های سابق فرق دارد. این کنگره از جهت آماده کردن محتوای بحثهای داخلی کنگره گامی جلوتر گذاشته است. مشی سیاسی و مشکلات تشکیلاتی و نظامی قبلاً در کفرانس‌ها



با تفصيل مورد بحث قرار گرفته اند .
 نمايندگان كنگره كه در كنگرانسها
 انتخاب شده اند هم در باره مسائل
 كه در كنگره مطرح خواهند شد آمارگي
 بحث و اظهار نظر پيدا کرده اند و هم
 نظرات و پيشنهادهات و انتقادات مورد
 تصويب كنگرانسهای خود را كه در
 قطعنامهها قيد شده اند به كنگره
 خواهند آورد . اينكار را اراي و وحسن
 است : نخست - رفقای نمايند منظر
 بعضی مواقع نظرات شخصی خود
 را در كنگره مطرح نمی كنند بلكه حامل
 نظرات كنگرانس بطور گلي هستند . حق
 هم همین است ، چرا كه آنان نماينده
 منتخب هستند و توصیهها
 ورهنمودهای كنگرانسهای مربوطه
 را با خود به همراه می آورند و بنا بر اصول
 دكراتيك بايد نماينده كنگرانس
 باشند . دوم - بدین ترتيب بحثهای
 كنگره از نظر كیفی سطح بالاتری
 خواهند داشت ، مسائل مهم كه همه
 حزب را در برمی گیرند مورد بررسی
 قرار میگیرند و كنگره بعنوان عالیترین
 ارگان حزب وظیفه خود را بهتر انجام

میرسانند .
 كنگره هفتم به هنگامی تشكيل
 خواهد شد كه حزب ما در شوارترین
 شرایط مبارزه را پشت سر گذاشته است .
 در مدت دو سال گذشته رژیم خمینی
 آخرین نیرو و توان خود را برای مقابله
 با جنبش كردستان بكار گرفته است .
 سازمانهای حزبی و نیروی پيشمرگ
 توانسته اند كم كم خود را با وضع تازه
 تطبیق دهند و بدون شك در آینده
 رژیم باید خود را برای ضربه خوردنهای
 بیشتر و نیروی پيشمرگ خويشتن را برای
 وارد آوردن ضربات كاری تر آماده كنند .
 نیروی پيشمرگ مرحله عقب نشینی
 تاكثی خود را بپایان برده است و
 اکنون باید مرحله آمارگي برای حمله و
 بسط عقب راندن سنگر به سنگر
 دشمن را آغاز کند .

این وضع در كردستان ، همزمان
 است با بحرانی شدن شدید وضع رژیم
 خمینی . همچنانكه در تحليل پيشنهاده
 شده به كنگرانسها آمده است بحران
 اقتصادی ، نظامی ، سیاسی ، اجتماعی و
 فرهنگی جمهوری اسلامی همچنان

اهمیت مبارزه منشی و کردستان

است که هدف رژیم ضد خلقی خمینی از پخش و استقرار این همه نیرو در کردستان عبارتست از خفه کردن صدای مبارزه مردم و راه بستن بر تلاش و مبارزه پیشمرگان نستوه کردستان .

البته رژیم آنقدرها هم باسانی به ایجاد این شبکه وسیع نظامی در کردستان توفیق نیافته است . شش سال است که نیروهای مزدور رژیم خمینی درگیر یک جنگ گسترده و خونین علیه مردم کردستانند . نیروهای رژیم در جنگ کردستان تاکنون درها هزار کشته داده اند ، زخمی های بسیار زیادی بارمغان برده اند و امکانات نظامی بیش از حدی صرف کرده اند . رویهمرفته کمتر نقطه های را در کردستان میتوان یافت که رژیم در آنجا از دست پیشمرگان فداکار کردستان ضربه

شدیدی تصور می باشد . بخلاف آنست که شاید در باری امر بنظر برسد جنگ با عراق نه تنها سبب کاهش شدت و وسعت جنگ در کردستان نگشته بلکه رژیم از بسیاری جهات از آن برای ادامه جنگ علیه مردم کردستان سوء استفاده کرده است . زیرا که از سوی بنام جنگ با عراق توانسته است تعداد زیادی ارتشی و پاسدار و بسیجی بکردستان بیاورد و از سوی دیگر بیپایانه حفظ آنان از بمباران هواپیماهای عراقی ، آنها را بصورت گروههایی پراکنده میکند و بجای استقرار در مرزها به محاصره و اشغال روستاهای کردستان میگمارد .

اداره چنین وضعی از سوی رژیم چندان هم آسان نیست . پراکنده کردن نزدیک به دو بیست هزار نفر در کوهها و دره های کردستان ، با این راههای سخت و صعب العبور و با امکانات محدود تدارکاتی و وضع آشفته اقتصادی رژیم بار سنگینی است و نگهداری جاده ها و فراهم آوردن همه جانبه امکانات برای این



نیرو مشکلات بسیار زیادی در بر دارد. رژیم اساساً خود از نظر تدارکاتی بسیار ناتوان است و کردستان هم منطقه‌ای است سخت و کوهستانی و پُر از فراز و نشیب‌های طبیعی. از اینرو رفت و آمد در آن بویژه در فصل‌های پائیز و زمستان کار دشواری است، آنهم برای افراد رژیم که در کردستان بیگانه‌اند و بمثابة یک نیروی اشغالگر حتی از سایه خود بیم دارند. در سال گذشته مشکلات رژیم از این جهت بسیار خوب نمایان شدند و در آنها دلیل و نمونه زنده باثبات رساندند که نه تنها رژیم خمینی، بلکه رژیم‌های بسیار نیرومندتر از آنها قادر نیست برای مدت‌های درازی چنین نیروی فراوانی در عمق کردستان نگهدارند. بنظر میرسد که هنوز سوز سرمای زمستان سال گذشته بر پیکر مقامات بلند پایه رژیم در تهران اثر نکرده است و بهمین جهت در سال جاری بجای جمع‌آوری نیروهای خود، آنها را بیشتر متفرق کرده و بر شمارشان افزودند. لیکن اگر رژیم تصور میکند که مسأله

کردستان محدود به ماهها و یکسالهای معدودی است، مردم کردستان که پایداری و مقاومت را از کوههای سرسخت کردستان فرا گرفته‌اند میدانند که راه پیروزی راهی است دشوار و طولانی، و بیپسوند این راه صبر بسیار و عزم محکم می‌طلبد. همانطور که گفتیم مشکلات ویراکنندگی و نگهداری نیروهای رژیم در کردستان فراوانند. در بسیاری از نقاط بگرات دیده شده و مشاهده میشود که رژیم حتی از تهیه نان خشک برای نیروهای مزدور خود عاجز است. لباس و سوخت و سنگر محکم و گرم برای زمستان کسبه بسیار کم است. در زمستان گذشته دهها نفر از مزدوران رژیم در مخفیگاههای منفرد مانده، خویش از سرما یخ بستند که مقامات رژیم بیسر آن سرپوش نهادند و بگلگی مسکوت گذاشتند. همه اینها در یکسو و بیم مداوم از ضربه پیشمرگان در سوی دیگر. افراد رژیم در سراسر مدت بیپسوتی در پایگاه‌هایشان بدون خشک حتی برای یک لحظه هم از حملات



را در زیر ضربات ناگهانی و کاری خور
درمانده کنند و آنان را در هم
پیچند .

از يك نظر ميتوان گفت كه در
وضعيت كوني دست پيشمرگان برای
ضرب زدن به نيروهای رژيم از گذشته
بازتر است، چرا كه پخش شدن نيروهای
رژيم جبهه وسیع و گسترده ای برای
مبارزه پيشمرگان گشوده است. اکنون
پيشمرگان حزب از "قطر" گرفته تا
"ایلام" با نيروهای سرکوبگر رژيم
درگیرند و رژيم مجبور است در تمامی
طول و عرض کردستان با آنان طرف
شود، بدون آنکه هدف نظامی
مشخص داشته باشد .

اگر در گذشته رژيم ميتوانست
بنابر يك تاکتيک مشخص نقطه های
انتخاب کند، نوك حمله خود را متوجه
يك هدف معين نماید و نيروی زيادی
در آن نقطه متمرکز کند اکنون اهميت
هیچ نقطه ای از کردستان از نقطه
دیگر نه بیشتر است و نه کمتر . در
حقيقت رژيم با دست خود همواره
کردستان را به میدان جنگ با خود
بقیه در صفحه ۱۹

پيشمرگان آسوده خاطر نيستند و بيم
و تشويش سراسر وجودشان را فرا گرفته
است .

هر سنگ و هر درخت برای آنها
يك پيشمرگ است و هر کوه و دره ای در
نظر آنان کمان پيشمرگان بحساب می آید،
و در واقع اگر نيك بنگريم مشکل اساسی
رژيم در پخش و استقرار نيروهایش در
کردستان هم همین است .

بدین ترتیب رژيم علیرغم تخصیص
نيروی بزرگ و امکاناتی بسیار برای
جنگ در کردستان، به هیچ پیروزی
اساسی و دراز مدتی نائل نیامده
است و بیگمان هر اندازه زمان بیشتری
بگذرد نيروهایش بیشتر فرسوده میشوند
و بیشتر روحیه از دست میدهند و بیشتر
خسته و درمانده میگردند، و در برابر
پيشمرگان با مبارزه مسلحانه پارتیزانی
بیشتر و بهتر آشنایی پیدا خواهند
کرد . در همه نمونه از عملیات
پیروزمندانه پيشمرگان خستگی ناپذیر
کردستان در سال گذشته بخوبی
نشان داده است که پيشمرگان تا چه
اندازه بسهولت قادرند نيروهای رژيم



مصاحبه با

مجله

«اليوم السابع»

در روزهای ۱۱ تا ۱۳ اکتبر (۱۹ تا ۲۱ مهرماه) رفیق دکتر عبدالرحمن قاسلو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در کنگره، حزب سوسیالیست فرانسه که در شهر "تولوز" برگزار شد بعنوان مهمان رسمی شرکت نمود. در این کنگره رفیق قاسلو با بسیاری از مقامات دولتی و شخصیت‌های سیاسی فرانسه و نیز هیئت‌های نمایندگی کشورها و سازمانهای سیاسی جهان که در کنگره حضور داشتند دیدار کرد و در باره وضع ایران و کردستان و مبارزه، خلق کرد با آنان به گفتگو نشست. با نمایندگان و خبرنگاران چندین روزنامه و مجله هم مصاحبه‌هایی بعمل آورد که یکی از آنان مجله "اليوم السابع" وابسته به سازمان آزادیبخش فلسطین است که در پاریس بزبان عربی منتشر میشود. متن این گفتگو که در شماره ۷۸ این نشریه بتاریخ ۸۵/۱۱/۴ چاپ شده است چنین است:

مصاحبه با رهبر کردستان

قاسلو: رژیم خمینی در تنگنا

وضع ایوزیسیون ایران طوری نیست که بر وفق مراد باشد. لیکن در منطقه کردستان مقاومت وجود دارد بطوریکه بخش‌های وسیعی از آن تسلط دولت خارج است.



عبدالرحمن قاسطو رهبر حزب دمکرات کوردستان ایران یکی از سیماهای
اپوزیسیون ایرانی است. خبرنگار "الیوم السابع" که برای شرکت در کنگره
حزب سوسیالیست فرانسه در شهر "تولوز" دعوت شده بود مصاحبه زیر
را با وی بعمل آورده است:

سوال - بنظر میرسد که وضع
نظامی در کوردستان پس از تحولات
اخیر حالت رکود و سکونی بخود گرفته
باشد. آیا قدرت نهاجمی شما که تا
مدتی رژیم را تحت فشار گذاشته بود
تضعیف نشده است؟

جواب - بهیچوجه. درست است که
برخی مشکلات برایمان پیش آمده است
اما هنوز هم این توانایی را داریم
که در هر نقطه‌ای از کوردستان به حمله
روست بزنیم. در این رابطه لازمست
که وضع جغرافیایی منطقه در نظر گرفته
شود. کوردستان از نظر نظامی عملاً به
سه بخش تقسیم میشود: نخست مناطقی
که رژیم آنها را کاملاً میلیتاریزه کرده و
حدود دو بیست هزار نفر ارتشی و پاسدار
و بسیجی و جاش (مزدور محلی) را در
نزدیک به ۲۵۰۰ پایگاه نظامی مستقر
کرده است. بدیهی است پادگانها

در داخل شهرها هستند که در ۳۳ شهر
کوردستان استقرار یافته‌اند. لیکن باز
هم این بدان معنا نیست که شهرهای
کوردستان بکلی تحت کنترل رژیم باشند،
بلکه در هر زمان که لازم باشد نیروهای
ما میتوانند بد داخل شهرها نفوذ
کنند. اما ما اغلب از عملیات در داخل
شهرها پرهیز می‌کنیم تا بهانه بدست
رژیم برای سرکوبی بیشتر مردم بسید فاع
شهرها نیفتد.

دوم - مناطقی که تحت تسلط
پیشمرگان است و نیروهای رژیم تاکنون
نتوانسته‌اند و نمیتوانند بآنها نفوذ
کنند.

سوم - مناطق بینابینی که
در بعضی جاهای آن ارتشیان و
پاسداران مستقرند و در بعضی جاها
هم پیشمرگان ما حضور دارند. نیروهای
رژیم بهنگام روز جاها اصلی و نقاط



مهم را زیر نظر می گیرند اما بهنگام شب کنترل بدست پیشمرگان میافتد که در آن بحرکت و فعالیت می پردازند. س- نزدیک به یکسال قبل حزب مکرات گوردستان از شورای ملی مقاومت خارج شد. در آن هنگام "مسعود رجوی" مسئول شورا و رهبر مجاهدین شما را متهم کرد که با رژیم خمینی مذاکره می کنید. آیا مذاکره شما با رژیم صحت دارد؟ اگر صحت دارد بکجا رسیده است؟

ج - ما برای مذاکره پیشقدم نبودیم. این رژیم ایران بود که میخواست با ما مذاکره کند. حقیقت آنستکه غیر از یک دیدار که در آن شروط ما برای مذاکره با رژیم مطرح شد هیچ چیز دیگر صورت نگرفته است. ما از اول هم انتظار نداشتیم که این دیدار به نتیجه ای برسد. چرا که شرطهای سیاسی ما بسیار صریح و روشن اند و بگونه ای هستند که این رژیم بهیچوجه آنان را نمی پذیرد. شروط ما هم رویهمرفته در دو جمله خلاصه میشوند: "مکراسی برای ایران و خود مختاری

برای گوردستان".

بحث بر سر اسلام نیست. ما به اسلام ارج میگذاریم لیکن مساله آنستکه ما خود را ندیحق میدانیم و خواستهایی داریم. خواسته های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ما هم طوری هستند که با فلسفه و جوهر رژیم ایران در تضادند و این رژیم هر آنچه را که مخالفش باشد نمی پذیرد.

س- اگر میدانستید که مذاکره با رژیم هیچ فایده ای ندارد چرا در مورد آن آنهمه اصرار داشتید که سبب شد ایوزیسیون ایرانی را دچار بحران کنید؟

ج - ما به دیگران اجازه نمیدهیم دستمان را ببندند. اختلاف بر سر مذاکره نیست. ما میخواهیم بروی حق استقلال تصمیم گیری خودمان در مقابل شورا تاکید بورزیم. آزاد بودن برای مذاکره برای ما این مفهوم را دارد نه عقب نشینی یا تسلیم به هرکس که باشد. دلیل برای این ادعا هم درخواستهای رژیم از سوی ما است. در اینجاست میتوانیم بگویم و اعلام نمایم که ما نخستین





کسانی بودیم که مقاومت با رژیم خمینی را آغاز کردیم و عقیده‌ام اینست که : آخرین کسانی هم خواهیم بود که مبارزه‌مان با رژیم خمینی همچنان ادامه خواهد داشت . بنابراین برداشتن شورای ملی مقاومت و اختلاف مسئول این شورا مسعود رجوی با اصل استقلال تصمیم گیری ما مبنایت داشت . با وجود این ، ما هنوز مجاهدین رابخشی از نیروی اپوزیسیون ایران می‌شناسیم که میتوانیم با آنها همکاری داشته باشیم بشرط آنکه آنها هم استقلال ما را بپذیرند .

به صراحت میگوئیم و نمیخواهیم از کسی مخفی بماند که در حال حاضر ما نیرومندترین سازمان در بین همه اپوزیسیون ایرانی هستیم . همچنین با وجود آنکه یک حزب منطقیی پیش نیستیم ، عملاً بزرگترین نیرویی هستیم که در برابر رژیم ایستاده‌ایم . اینرا هم بگوئیم که گرچه اکثریت مردم ایران مخالف رژیم است اما در حال حاضر بجز در کردستان هیچ مقاومت نظامی عملی دیگری علیه رژیم وجود ندارد .

روشن است که امروزه رژیم از نظر سیاسی کاملاً دچار انزوا است از اینرو هنگام آن رسیده است که اپوزیسیون ایرانی متحد گردد و در یک چهارچوب وسیعتر و منطقی‌تر از سابق گردد . آید . این اتحاد د مکراتیک که در شرایط کنونی لازمست همه اپوزیسیون ایرانی در برابر رژیم خمینی بوجود آورد باید شعار اساسی ما : د مکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان را بپذیرد که این خود قدمی است در جهت طرف اپوزیسیون سلطنت طلب .

س- آیا این نظر شما " شاپور بختیار" نخست وزیر اسبق را مستثنی می‌کند ؟

ج - این بخود او مربوط می‌گردد . اگر علناً از سلطنت طلبان فاصله بگیرد ممکن است بتوان با وی همکاری کرد .

س- گذشته از خروج شما ، در شورای ملی مقاومت بحران دیگری هم وجود داشته است . آنها اختلاف بین " مسعود رجوی " و " ابوالحسن بنی-صدر " است . مسعود رجوی هم بنی-



بقیه : بسوی کنگره هفتم

بردوام است . رژیم خمینی نه تنها تثبیت نشده است بلکه در حال حاضر از هر زمان دیگری متزلزل تر است و تضاد های بیشتر خود نمایی می کنند . بخصوص بعلمت به بن بست رسیدن سیاست جنگ طلبی رژیم که ته به پیروزی نرسیده و نه قادر است که جنگ را متوقف نماید بحران اقتصادی و سیاسی بحران اعلا رسیده است . حتی اکنون شخص خمینی هم این تسلط را که تضاد های درون رژیم را کاملاً حل و فصل نماید از دست داده است . چگونگی تعیین نخست وزیر پس از آنکه رئیس جمهور تعیین گردید نمونه مشخصی از کاهش نفوذ خمینی است . زیرا پس از آنکه خمینی از مجلس اسلامی خود خواست که همه میدانیم اعضای آن با موافقت شخصی وی تعیین گردیدند . رأی خود را به حسین موسوی بدهند باز هم نزدیک به صد نفر یعنی بیش از ثلث نمایندگان مجلس به موسوی رأی ندادند که در واقع

این امر بدعناى مقاومت در برابر خواست خمینی بود .

بدین ترتیب ، کنگره هفتم در زمانی برگزار می گردد که هم شرایط مبارزه پیروزنده در کردستان آماده تر شده و هم رژیم خمینی از گذشته بسیار ضعیف تر و متزلزل تر گشته است . از اینرو افق جنبش کردستان ایران که رکن اصلی جنبش سراسری ایران است بسیار روشن است . کنگره هفتم بیگمان نقش مهمی در پیشبرد مبارزه خلق کرد بمنظور سرنگون ساختن رژیم خمینی خواهد داشت . از اینرو با اطمینان و ایمان به پیروزی و برای نیل به آرمان مکرسی و خود مختاری بسوی کنگره هفتم میرویم .

* * * * *



پیام تسلیت دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
 به

کانون نویسندگان ایران - پاریس

بمناسبت

درگذشت دکتر غلامحسین ساعدی

نویسنده مبارز ایرانی

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران خبر درگذشت نویسنده مبارز و نامدار ایران دکتر "غلامحسین ساعدی" را با تأثر و تأسف فراوان دریافت نمود. فقدان دکتر ساعدی ضایعه بزرگی برای فرهنگ و هنر میهن ما بشمار میرود. دفتر سیاسی از سوی اعضا و هواداران حزب و قاطبه مردم کردستان این مصیبت را به همه مبارزان راه آزادی، به مردم هنر دوست ایران، به کانون نویسندگان ایران و خانواده نویسنده فقید صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در غم و اندوه آنان شریک میداند.

دفتر سیاسی

حزب دمکرات کردستان ایران

چهارم آذرماه ۱۳۶۴



اطلاعیه دفتر سیاسی

بمناسبت شهادت

رفقا "کمال دباغی" و "طه حق طلب"

از سال ۱۳۴۶ بعنوان هواناز حزب در بسیاری از فعالیت‌های علیه شاه شرکت مینمود و به تبلیغ افکار و عقاید میهن پرستانه مرفقی در بین معلمان و دانش‌آموزان میرداخت.

در جریان انقلاب خلق‌های ایران تلاش‌های چشمگیری از خود نشان داد و در برپایی و برگزاری بسیاری از تظاهرات آنموقع شرکت داشت. در روزهای اولیه پس از پیروزی انقلاب رسماً به صفوف حزب دمکرات کوردستان ایران پیوست. پس از پیروزی انقلاب عضو شورای انقلاب شهر مهاباد بود و در اداره امور شهر و حفظ نظم و امنیت کوشش بسیار نمود. در فاصله جنگ سه ماهه که رژیم در منش خمینی سعی داشت

هم میهنان عزیز! مردم شرافتمند کوردستان! رفقای مبارز!

دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان ایران با تأثر بسیار و اندوهی عمیق با اطلاع میرساند که دو رفیق محبوب و مبارز ما: "کمال دباغی" عضو کمیته مرکزی و "طه حق طلب" عضو مشاور کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران مدتی قبل در کرمانشاه و تهران اعدام شده‌اند.

رفیق "کمال دباغی" در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده زحمتکش و تهیدست در شهر مهاباد بدنیا آمد، با رنج و زحمت توانست تحصیل کند و فوق دیپلم بگیرد و معلم مدارس راهنمایی در مهاباد گردد.



همه شهرهای کردستان ایران را به صورت زندان و پایگاهی علیه حزب دمکرات و پیشمرگان دلاورشان در آورد ، رفیق " کمال دباغی " در شهر مهاباد باقیماند و تشکیلات حزب و مبارزات نظامی و سیاسی داخل شهر را رهبری کرد .

در کنگره چهارم حزب در اسفند ماه ۱۳۵۸ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید و مسئولیت سازماندهی کمیته‌های حزبی را در کرمانشاه و ایلام بعهده گرفت که در انجام این وظیفه بسیار موفق بود . سپس بعنوان مسئول کمیته حزبی شهرستان سقز تعیین گردید . در کنگره پنجم پس از آنکه مجدداً به عضویت کمیته مرکزی برگزیده شد عنوان مسئول اول مرکزیت " آژوان " و مسئول مستقیم شهرستان کرمانشاه یافت ، و برای انجام وظیفه به محل کار و فعالیت خود شتافت . لیکن متأسفانه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ در حین انجام یک ماموریت حزبی در داخل شهر کرمانشاه دستگیر گردید .

رفیق " کمال دباغی " پس از آنکه چهارسال در زندانهای رژیم در کرمانشاه ، سنندج ، تهران ، و ارومیه تحت شکنجه مستمر قرار گرفت و ظاهراً به پانزده سال زندان محکومیت یافت ، مدتی قبل برخلاف همه قوانین و حتی قانون خود جمهوری اسلامی اعدام گردید .

با شهادت " کمال دباغی " حزب دمکرات یکی از بهترین و فداکارترین فرزندان خود را از دست داد . شهید " کمال دباغی " مبارزی با ایمان و خستگی ناپذیر بود . هیچ مشکلی نمیتوانست مانع فعالیت و تلاش وی گردد . با همه توان و نیروی خود در برابر منحرفین از خط درست و اصولی حزب ایستادگی می کرد . برای انجام هر وظیفه در هر نقطه پیوسته آمادگی داشت . شجاع و بیباک بود و ایمان عمیقی به مشی حزب داشت ، چهار سال در بند بودن نتوانست اراده پولادین این فرزند گرانقدر را درهم شکند . وی نه تنها در برابر جباران رژیم خمینی سرفروغ نیاورد بلکه آنانرا



← ناچار کرد که با چشم احترام در وی
 و در حزبش بنگرند .

* * * * *

رفیق " طه حق طلب " در سال
 ۱۳۲۰ در يك خانواده انقلابی
 مهابادی چشم بدنيا گشود . برادرش
 قادر شريف (هاشم اقل الطلاب) از
 مسئولان حزب مكرات گوردستان
 بود که در بهار سال ۱۳۴۹ به
 شهادت رسيد . رفیق " طه حق طلب " پس
 از اخذ لیسانس فیزیك در
 دبیرستانهای مهاباد به کار تدریس
 پرداخت . لیکن ساواک ، اجازه نداد
 که در این شغل و در این شهر کار
 کند . از اینرو به تهران رفت و بعد
 از مدتی کار آزاد در دبیرستانهای
 تهران ، در وزارت پست و تلگراف
 و تلفن استخدام گردید و به علت
 شایستگی بسیار زود مسئولیت های
 مهم یافت .

رفیق " طه حق طلب " از دوران
 نوجوانی با فعالیت های انقلابی
 آشنا شد ، و بهنگامیکه برادر قهرمانش

" قادر شريف " در روستاهای
 گوردستان فعالیت های مخفی حزبی
 داشت در بین رفقای حزبی شهر
 مهاباد و خارج شهر رفت و آمد میکرد
 و نامه ها و نشریات حزبی را رد و بدل
 مینمود .

رفیق " طه حق طلب " پیوسته
 مصمم بود که راه " قادر شريف " و دیگر
 شهیدان حزب مكرات را ادامه
 دهد و بدین جهت هیچگاه ارتباط خود
 را با اعضا و فعالین حزب قطع نکرد .
 در آغاز انقلاب ایران به مبارزه علنی
 روی آورد و در جمعیت گرد های مقیم
 مرکز فعالانه شرکت نمود .

پس از سقوط رژیم شاه ، در وجود
 آوردن تشکیلات حزب مكرات در
 تهران و سپس در جریان جنگ سه ماهه
 در سازماندهی و اداره این تشکیلات
 نقش برجسته ای داشت .

از بهار سال ۱۳۵۹ تا روز
 دستگیری در سال ۱۳۶۲ مسئول
 تشکیلات حزب مكرات در تهران
 بود و در این فاصله مساعدتهای بسیار
 گرانبهایی بهمراه اعضا و هواداران



←

حزب بویژه بیماران و زخمی‌هایی که
 به تهران می‌رفتند نمود .
 رفیق " طه " که در بین کگره
 چهارم و پنجم حزب به عضویت مشاور
 کمیته مرکزی برگزیده شده بود ،
 متأسفانه در سال ۱۳۶۲ در تهران
 دستگیر و در پانزدهم مهرماه ۱۳۶۴
 در زندان اوین تهران اعدام گردید .
 بدین ترتیب شهید گرانقدر دیگری
 به کاروان طویل شهدای راه آزادی
 کردستان و سراسر ایران پیوست .
 شهید " طه حق طلب " نمونه
 یک عضو منضبط و با شخصیت حزبی بشمار
 میرفت . روشنفکری دانا و کارآمد و در
 عین حال شجاع و مبارز بود . مردم و
 میهن خویش را از صمیم قلب دوست
 میداشت . در بین دوستان و همکاران
 و رفقای حزبی بسیار محبوب بود . در
 سال زندان روحیه اش را تضعیف نکرد
 و در برابر زجر و شکنجه آدمکشان
 خمینی قهرمانانه مقاومت نمود . " طه
 حق طلب " تا باخر به حزب خود
 و آرمانش وفادار ماند و جان خویش را
 نثار کرد تا مردم و میهنش با آزادی

برسند .

هم میهنان گرامی !
 رفقای عزیز !

و فرزند محبوب حزب و خلق ،
 و انسان ارزشمند ، و دو مبارز نستوه :
 " کمال دباغی " و " طه حق طلب "
 بدست جلالان رژیم خمینی بس
 شهادت رسیدند . ما در عین حال که
 صمیمانه از سوی کمیته مرکزی حزب
 دمکرات کردستان به همه خالقهای
 ایران ، مردم کردستان ، اعضای حزب
 و بویژه خانواده‌های این دو شهید
 عزیز تسلیت می‌گوئیم ، و در همان حال
 که بروان پاک همه شهیدان راه آزادی
 و دو شهید سرفرازمان : شهید " کمال "
 و شهید " طه " درود می‌فرستیم ،
 یکبار دیگر تجدید عهد می‌کنیم که
 تا رسیدن به پیروزی ، تا سرنگونی رژیم
 خمینی ، و تا تحقق آرمانهای والای این
 دو شهید : " دمکراسی برای ایران
 و خود مختاری برای کردستان " و تامین



بقیه : اهمیت مبارزه منفی...

تبدیل کرده است؛ آنهم جنگ با پارتیزانهای آشنا به منطقه که تنها هنگامی وجودشان را در کار خود حس میکند که صدای تفنگهایشان در گوشش طنین میاندازد. از اینرو امید به رژیم به حفظ جبهه‌های اینچنین بزرگ و وسیع برای یک مدت طولانی برآستی چیزی در خواب و خیال چیز دیگری نیست. در حالیکه نیروی پیشمرگ حزب در مکررات که در این جبهه گسترده بصورتی بسیار فعال در برابر دشمن ایستاده است تا بحال نشان داده است که بسیار سریع تر از آنچه پیش بینی میشد تاکنیک های جنگ پارتیزانی و ویژگیهای این نوع مبارزه را فرا می گیرد. در این مدت فرزندان قهرمان مکررات نه تنها توانسته اند در همه میدانهای جنگ حضور داشته باشند و پرچم مبارزه مسلحانه خلقمان را برافراشته نگهدارند، بلکه ضربه های بسیار کاری بر پیکر لرزان نیروهای

سرکوبگر وارد آورده اند.

فزون پایگاههای دشمن نه تنها روحیه پیشمرگان را تضعیف نکرده است بلکه امید به آینده را در آنان نیرومندتر کرده و ایمانشان را به خود و به جنبش و به حزب راسخ تر نموده است. اگر در گذشته اشغال نقطه های از سوی نیروهای رژیم بر روحیه مردم و پیشمرگان تاثیری کم و بیش منفی میگذاشت اکنون دیگر چنین چیزی صالهای بحساب نمآید و قابل بحث بنظر نمیرسد. مردم درک کرده اند که پراکندگی نیروهای رژیم در کردستان و اشغال ظاهری مناطق از سوی آنان در نهایت هیچ جای نگرانی نیست و بهیچوجه نمیتواند موجب تحقق یافتن تصورات واهی جمهوری اسلامی گردد. از اینرو ایمانشان به جنبش و به حزب پیشرو و مبارزشان بیشتر شده است و درنمای آینده را روشنتر می بینند.

از حق نباید گذشت که با وجود بعضی مشکلات و اشتباهات، همانطور که اشاره شد پیشمرگان و کارهای



←
 حزب هم بسیار زود توانستند خود را با وضع جدید تطبیق دهند. هر چند در بعضی جاها ضربات ناگواری متحمل شدیم و شماری از فرزندان بسیار با تجربه و مبارزمان در مرحله انتقال از جنگ جبهه‌ای به جنگ پارتیزانی از دست رفتند، لیکن در مجموع تغییر تاکتیک با موفقیت انجام رسید، و مهم هم همین است.

* * *

گذشته از همه مسائلی که بانها اشاره شد مسأله بسیار مهمی که نباید از نظر دور داشت اینست که پراکنده شدن نیروهای سرکوبگر رژیم در کردستان موجب شده است که اکنون رژیم در کردستان با همه مردم کردستان رود رو باشد. در حال حاضر رژیم در میان دریایی از توده‌های مردم ناراضی و مخالف سرگردان مانده است.

نخستین نتیجه اینکار این بوده است که دیگر بهانه‌ای برای محاصره اقتصاد و بمباران و توپ و خمپاره باران روستاهای کردستان بصورتی

پُر دامنه نظیر سابق باقی نمانده است. رژیم مجبور است حال که مدعی است سراسر کردستان را باصلاح پاکسازی کرده است امکانات زندگی را برای مردم فراهم آورد، به مشکلات آنان رسیدگی نماید، و در همه زمینه‌های سیاسی، نظامی، و فرهنگی دست‌بکار شود. بخصوص اگر در نظر داشته باشیم که روبرو شدن با یک خلق آگاه و مبارز نظیر خلق کرد چندان آسانم نیست و مردم کردستان خوب میدانند که چگونه همه زمینه‌ها را به میدان مبارزه حق و ناحق تبدیل کنند و در تمام جهات مقامات رژیم را تحت فشار بگذارند.

نگاهی سریع به رابطه ماموران و نیروهای مزدور رژیم با توده‌های مردم کردستان، شدت و وسعت این مبارزه عمومی را بخوبی نشان میدهد. توده‌های مردم برای هر مسأله‌ای که پیش می‌آید گریبان ماموران دولتی و نیروهای رژیم را می‌گیرند، اما کوچکترین وقعی به دستورات آنان نمی‌نهند. رژیم میخواهد آنانرا علیه پیشمرگان



رژیم شهبانه روز با تمام مردم کردستان
 درگیرند و اگر در سابق ادعا میکردند
 که مردم مسلمان کردستان را با خود
 دارند اما ضد انقلاب مانع بروز این
 امر می‌گردد اکنون دیگر چنین ادعای
 کذبی را هم نمیتوانند تکرار کنند و
 چهره کریه شان بتمامی در برابر
 مردم کردستان نمایان شده است.
 بهمین جهت لازم میدانیم توجه
 همه مردم کردستان را به اهمیت و
 تاثیر مبارزه منفی علیه نیروهای جمهوری
 اسلامی جلب نمائیم. هیچگاه نباید
 از یاد ببریم که در شرایط کنونی، این
 نوع مبارزه مبارزه‌ای است بسیار موثر
 و در واقع مگمل شیوه دیگر مبارزه یعنی
 مبارزه مسلحانه است باید پیوسته و زنجیر
 داشته باشیم که اینکه توده‌های مردم
 زحمتکش کردستان بهر ترتیبی که
 برایشان امکان دارد از نزدیک با
 نیروهای رژیم پرهیز کنند، بسان دشمن
 بانان بنگرند، هیچ گرهی از مشکلاتشان
 نگشایند بلکه برعکس تا میتوانند بر سر
 راهشان مشکل تراشی کنند بر روحیه
 نیروهای رژیم تاثیر بسیار مخربی میگذارد

مسلح کند، آنان یا سلاح برنمی‌دارند
 یا با سلاحهای خود به پیشمرگان
 می‌پیوندند. رژیم میکوشد مردم را در
 نمایشها و صحنه‌سازیهایی که همراه
 میاند از شرکت دهد، آنان یا شرکت
 نمی‌کنند و یا نمایش را به مسخره
 می‌گیرند و بعنوان نمونه در صحنه
 سازی انتخابات نامهای مسخره و هزل
 آمیز به صندوق میاندازند. رژیم
 میخواهد خود را بانان نزدیک کند،
 اظهار دوستی و محبت بنماید و بطرق
 گوناگون فریشتان دهد و دلشان را
 بدست آورد، آنان از رژیم دوری
 میجویند، خود را به نابینایی و ناشنوایی
 میزنند و عوامل رژیم را از خود میرانند.
 رژیم میخواهد بین مردم و فرزند ان مبارز
 قهرمانش فاصله و جدایی بیاندازد،
 آنان بخلاف این میل بیشتر به پیشمرگان
 نزدیک میشوند، بیشتر آنان را یاری
 میدهند و در آغوش خود مخفی
 می‌نمایند و امکانات زندگی و مبارزه را
 برایشان فراهم میسازند.
 بطور خلاصه، به رازا و پهنای
 این جبهه وسیع، نیروها و عوامل



بآنان نشان داد که در هیچ شرایطی و بهر ظلم و ستمی متوسل شوند بازهم نمیتوانند با مردم کردستان درآمیزند. اگر پایگاه نظامی هم داشته باشند، هرگز نمیتوانند پایگاه اجتماعی بیابند. مردم کردستان بالعموم از آنان بیزارند و از آنان دوری میجویند.

تضعیف روحیه، بستن آوردن، مشکل تراشی، عدم احترام و بی توجهی، خودداری از همکاری، یافتن نقاط ضعف و جمع آوری اطلاعات درباره دشمن و رساندن این اطلاعات به پیشمرگان، همگی جزئی از مبارزه منفی بحساب میآیند. عدم اطاعت از دشمن و خودداری از اجرای اوامروى از راههای موثر مبارزه، توده های مردم است و در بزانو در آوردن رژیم نقشی قاطع دارد.

مبارزه منفی در شرایط کنونی بسیار پر ارزش است و بحق بایست بهای کافی بآن داده شود. این مبارزه، باید سازماندهی شود، اصول و مقرراتی برایش تعیین گردد، درباره آن تبلیغ بعمل آید و نقش آن برای بقیه در صفحه ۲۷

مبارزه منفی علیه نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی بایستی با شدت و وسعت جریان یابد. نیروهای رژیم باید درک کنند که با همه مردم کردستان طرفند. بآنان باید فهمانده شود که وقتی اسلحه جمهوری اسلامی را بدست گرفته اند، بمثابة دشمن در آنان نظر کرده میشود. بآنان باید نشان داد که در بین خلق کرد جایی ندارند، هیچکس ارزشی به آنان نمیکند، اوامروى آنها خریداری ندارند، حضورشان رعبی ایجاد نمیکند، هیچ دوستی نخواهند یافت و اگر از گرسنگی تلف شوند حتی یک نفر هم یافت نمیشود که بمیل خود بآنان نانی بفروشد. اینها همگی جنبه های مثبتی از مبارزه منفی است و بدون شك نقش قاطعی بر روحیه عوامل رژیم خواهند گذاشت. نباید به بهانه اینکه مثلاً سربازند و کمک بآنان اشکالی ندارد، یا اینکه بهتر است فعلاً با آنان بظاهر به مدارا رفتار کنیم تا از فشار و تضییقاتشان بکاهیم و بهانه های دیگری از این نوع تن به سازش بدهیم. برعکس بایست



فلسطینیان درچه حالند؟

بمبارانها و ضربات ارتش اسرائیل بر پیکر این جنبش را کم رنگ نموده است. محافل ارتجاعی عرب، قدرتهای منطقه‌ای و سازمانهای افراطی از یک سو و امپریالیزم جهانی و دولت تجاوزکار اسرائیل از سوی دیگر، هر یک به شیوه‌ای و هر کدام در پی مقصود خاصی سرنوشت این خلق را بی‌بازی گرفته‌اند و هر وقت مصلحتشان ایجاب کرده است آشکارا بر روی آن شمشیر کشیده‌اند و بیرحمانه به کشتار مبارزان و ساکنان بید فاع اردوگاههای فلسطینی پرداخته‌اند. اقدامات سرکوبگرانه ارتش اردن بمنظور بیرون راندن فلسطینیان که طی آن چند هزار فلسطینی قتل عام شدند خاطره خونباری است که پیوسته چون داغی بر قلبهای رنجور این ملت باقی می‌ماند. بلایی که چند سال بعد در لبنان در تل زعترو دیر یاسین نیز بر سر

طی سی و پنجسالی که از تاسیس دولت اسرائیل و آوارگی و ریدری مردم فلسطین می‌گذرد، مبارزات این ملت حق پایمال شده مراحل خونباری را پشت سر گذاشته است. تار و پود تاریخچه این مبارزه با اشک و خون و خانه خرابی و آوارگی بافته شده است. اگر ملتهای تحت ستم در بخشهای مختلف عالم تنها از دولت‌های ارتجاعی و سرکوبگر خود و از دست امپریالیزم رنج می‌برند و به حقوق انسانی شان تجاوز می‌شود، ملت فلسطین با دشمنان و دست نشانگان بسیار خطرناکتری نیز روبرو بوده است. دایه‌های مهربانتر از مادر، بند بازان سیاسی، دولت‌های عرب تشنه قدرت، راستگرایان و فرصت طلبان رنگارنگ و بالاخره چپ‌روهای همه‌کس ستیز چنان بلایی بر سر این مردم آورد‌ه‌اند که داستان تجاوزکاریه‌ها،



فلسطینی‌ها آمد، و کشتاری که در این پایگاهها از آنها شد یکی از جنایت‌بارترین و فجیعترین رویدادهایی است که در تاریخچه مبارزات این خلق آواره و رنج‌دیده برای ابد ثبت شده است.

با وجود همه اینها گویی در ورنج‌ها، آوارگیها و خانه‌خرابیها، و اشک خونهایی که ظرف سی و پنج سال گذشته بصورت بخش‌جدایی ناپذیر زندگی فلسطینی‌ها درآمده، و گویی دشمنان گونه‌گونی که از هر سو این ملت را هدف کینه‌توزیهای خود قرار داده‌اند کافی نبودند که بتازگیها سر و کله گندم‌نمای جو فروش دیگری نیز در کسوت "اسلام راستین" پیدا شده است. اگر تا دیروز سازمانهای مبارز فلسطینی و مردم لبنان جدا از باورهای مذهبی، لاف‌درمقاطع حساس و بحرانی، متحد و یکپارچه بودند، در سالهای اخیر با پیدایش سروکله مزدوران خمینی در لبنان، موضوع تفرقه‌رینی و اختلاف‌مذهبی نیز چاشنی بدبختیها و سیه‌روزیهای ملت

رنجور فلسطین شده است. هنوز در اردوستان و اسپگرا و آشوبگر خمینی کاملاً نتوانسته بودند پایه‌های سلطه خود را در ایران استوار سازند که با بهره‌گیری از تعصبات مذهبی پیروان مذهب شیعه در لبنان و در خیال گسترش امپراتوری ولایت فقیهی بسه کشورهای اسلامی کار توطئه‌گری و تفرقه‌اندازی در میان مردم لبنان را آغاز کردند. نتیجه این دخالت‌رژیم خمینی در لبنان تشکیل سازمانهایی از قبیل چهار اسلامی و حزب‌الله بوده است که از همان آغاز تولد خود به دشمنی با آرمان واقعی فلسطین و ضربه‌زدن به سازمان آزادبیش فلسطین گمر بسته‌اند. اقدامات خیانت‌بار خمینی تنها به این محدود نمانده است، موازات آن، عوامل خمینی با همدستی سوریه، که خواهان بزیمر سلطه کشیدن جنبش فلسطین می‌باشد، در صدور برآمده‌اند با ایجاد انشعاباتسی در درون سازمان آزادبیش فلسطین آنرا شقه نمایند. حاصل همدستی میان رژیم خمینی و





←

رژیم سوریه پیدایش گروه انشعابی
ابوموسی است که تحت لوای مبارزه با
باصطلاح سیاستهای سازشکارانه
یا سرعرفات و تقویت باصطلاح جبهه
پایداری، در حساس‌ترین مقطع
مبارزات سازمان آزاد بیخس فلسطین،
بدشمنی با رهبری این سازمان
برخاستند و با استفاده از کمک‌های
نظامی و پشتیبانی مستقیم ارتش سوریه
بقایای نیروهای فلسطین مستقر در خاک
لبنان را ناچار به بیرون رفتن از این
کشور کردند.

بدیهی است که بر اثر مبارزات
بی‌گیر فلسطینی‌ها، چه در مناطق
اشغالی و چه در سطح سازمان
آزاد بیخس فلسطین و اردوگاه‌های
آوارگان، و حمایت‌نسیب افکار عمومی
و بعضی از دولتهای جهان (بعضاً
فعالانه و بعضاً نیم‌بند و ناپیگیری
و گاهی در حد تعارف) در عرصه
سیاسی تاکنون طرحهای گوناگونی
برای حل کم‌وبیش مسأله فلسطین
پیشنهاد شده است. یکی از این
طرحها طرحی بود که از سوی ملک

فهد، با تائید تلویحی ایالات متحده
و سایر قدرتهای غربی پیشنهاد شد.
هرچند این طرح تنها بخش محدودی
از خواستههای سازمان آزاد بیخس
فلسطین را در برداشت، لیکن در
مجموع میشد آنرا قدم مثبتی در جهت
کل مسئله فلسطین بشمار آورد.
یا سرعرفات در مقام رهبری سازمان
آزاد بیخس فلسطین، در اشاره به این
طرح آنرا حاوی نکات مثبتی اعلام کرد
و حتی دولت شوروی با آن مخالفت
مشخصی نکرد. لیکن از یک سو
دولتهای عربی عضو "جبهه" پایداری،
که حمایت و پشتیبانی آنها از مبارزه
رهایی بخش ملت فلسطین بنسبت از
دایره حرف و شعارهای توخالی فراتر
رفته است، و از سوی دیگر رژیم خمینی،
این مظهر عوامفریبی و ریاکاری، که
همزمان دستی در دامان اسرائیل
و دستی دیگر در دست باصطلاح
جبهه پایداری دارد، همگام با
انشعابیون و سازمانهای تندرو
فلسطینی به مخالفت با این طرح
برخاستند. بدین ترتیب طرح فهد در



هه‌مان آغا‌زیا نا‌کامی روبرو گر‌دی‌د .
 او‌ج‌گیری و ت‌دا‌وم‌ ج‌نگ‌ ای‌ر‌ان‌ و
 ع‌راق‌ ن‌یز‌ ع‌لا‌وه‌ ب‌ر‌ آن‌که‌ س‌رم‌ایه‌های‌ مالی
 و ن‌یر‌وی‌ ان‌سانی‌ ع‌ظ‌یمی‌ از‌ ه‌ر‌ دو‌ ج‌انب‌
 را‌ ب‌یار‌ ف‌نا‌ دا‌ده‌ اس‌ت‌ ی‌کی‌ از‌ ع‌وام‌لی
 بو‌ده‌ اس‌ت‌ که‌ م‌وج‌ب‌ ت‌ضع‌یف‌ ج‌بهه‌
 ک‌ش‌ور‌های‌ ع‌رب‌ د‌ر‌ م‌قاب‌ل‌ اس‌رائ‌یل‌ ش‌ده‌
 اس‌ت‌ . ای‌ن‌ ج‌نگ‌ با‌ع‌ث‌ ش‌ده‌ اس‌ت‌ که
 ب‌خ‌ش‌ ب‌زرگی‌ از‌ توانائ‌ی‌های‌ ر‌زم‌ی‌ و
 اع‌ت‌بارات‌ مالی‌ چ‌ند‌ ک‌ش‌ور‌ ع‌ربی‌ از‌ ت‌وجه
 ب‌ه‌ د‌ش‌من‌ اص‌لی‌ با‌ز‌مان‌د‌ و د‌ر‌ ج‌نگ‌ی‌
 ب‌د‌ ف‌رج‌ام‌ ه‌د‌ر‌ رو‌د‌ . بی‌ د‌لیل‌ ن‌ی‌س‌ت
 که‌ ای‌ن‌ ج‌نگ‌ از‌ ه‌مان‌ ن‌خ‌س‌ت‌ین‌ رو‌ز‌های
 ش‌روع‌ آن‌ مو‌رد‌ ت‌وجه‌ ط‌راح‌ان‌ س‌ی‌اس‌ی‌
 و ن‌ظ‌ام‌ی‌ اس‌رائ‌یل‌ بو‌ده‌ و اس‌رائ‌یلی‌ها
 ب‌ه‌ ان‌حاء‌ م‌خ‌ت‌لف‌ خ‌م‌ینی‌ را‌ د‌ر‌ ا‌رامه
 د‌ان‌ آن‌ ی‌اری‌ ر‌سان‌ده‌ان‌د‌ . ا‌رس‌ال
 ق‌ط‌عات‌ ی‌د‌کی‌ هو‌ای‌ما‌ها‌ و ج‌نگ‌ اف‌زار
 از‌ ج‌انب‌ اس‌رائ‌یل‌ و آ‌م‌ری‌کا‌ د‌ر‌ پ‌وش‌ش‌
 م‌عام‌لات‌ ق‌ا‌چ‌اق‌ و ع‌ی‌ر‌ م‌س‌ت‌قیم‌ و گ‌اهی
 م‌س‌ت‌قیم‌ د‌ر‌ ه‌م‌ین‌ ر‌ابطه‌ ص‌ورت‌ گ‌رف‌ت‌ه
 اس‌ت‌ .

م‌حو‌ر‌ ر‌ونا‌لد‌ ر‌ی‌گان‌ د‌ر‌ پ‌س‌ت

اس‌ت‌ که‌ د‌ر‌ ت‌ش‌دی‌د‌ م‌وض‌ع‌ خ‌ش‌ون‌ت‌ ب‌بار
 اس‌رائ‌یل‌ د‌ر‌ م‌قاب‌ل‌ ح‌ل‌ م‌س‌ئ‌له‌ ف‌لس‌ط‌ین
 ب‌سی‌ار‌ مو‌ثر‌ بو‌ده‌ اس‌ت‌ . ر‌ی‌گان‌ ب‌ع‌نوان
 ن‌مای‌نده‌ ه‌ا‌ر‌ت‌ر‌ین‌ ب‌خ‌ش‌ س‌رم‌ایه‌د‌اری
 آ‌م‌ری‌کا‌ پ‌ی‌وسته‌ د‌ر‌ ب‌راب‌ر‌ م‌س‌ئ‌له‌ ف‌لس‌ط‌ین
 ب‌ر‌ ح‌م‌ایت‌ ک‌ام‌ل‌ از‌ اس‌رائ‌یل‌ و م‌خ‌ال‌ف‌ت
 با‌ س‌از‌مان‌ آ‌زاد‌ ب‌ی‌خ‌ش‌ ف‌لس‌ط‌ین‌ ب‌ر‌خ‌استه
 و ب‌ای‌ن‌ ت‌رت‌یب‌ س‌ران‌ د‌ول‌ت‌ اس‌رائ‌یل‌ را
 د‌ر‌ د‌ش‌من‌ی‌ با‌ آ‌ر‌مان‌ ف‌لس‌ط‌ین‌ ج‌ری‌ ت‌س‌ر
 ک‌رده‌ اس‌ت‌ .

ای‌ن‌ک‌ و‌ض‌ع‌ ب‌گونه‌ای‌ اس‌ت‌ که‌ ج‌نب‌ش‌
 ف‌لس‌ط‌ین‌ د‌ر‌ م‌قاب‌ل‌ ت‌جا‌وز‌گ‌ران‌ اس‌رائ‌یلی‌
 و د‌ر‌ م‌ی‌ان‌ س‌ک‌وت‌ خ‌ف‌ت‌ ب‌ار‌ د‌ول‌ت‌های
 ع‌ربی‌ ، ز‌خ‌م‌ خ‌ور‌ده‌ و خ‌ون‌ین‌ چ‌ند‌ ی‌ن
 ق‌دم‌ د‌ی‌گر‌ از‌ آ‌ر‌مان‌ م‌ق‌د‌س‌ خود‌ ب‌د‌ور
 اف‌ت‌اره‌ و ب‌خ‌ش‌ ع‌مه‌ه‌ ر‌ز‌ض‌د‌گ‌ان
 و ار‌گان‌های‌ اج‌را‌یی‌ و م‌ر‌ک‌زی‌ آن‌ نا‌گ‌ز‌ی‌ر
 از‌ ت‌ر‌ک‌ ل‌بن‌ان‌ ش‌ده‌ و ب‌ه‌ س‌ای‌ر‌ ک‌ش‌ور‌های
 د‌ور‌ د‌س‌ت‌ ع‌ربی‌ پ‌ناه‌ ب‌رد‌ه‌ان‌د‌ .

ک‌ش‌ور‌های‌ پ‌ر‌م‌د‌ع‌ای‌ ع‌ض‌و " ج‌بهه‌"
 پ‌ای‌د‌اری‌ ن‌ی‌ز‌ ک‌ما‌کان‌ ع‌ی‌ر‌ از‌ ط‌رح
 ش‌ع‌ار‌های‌ تو‌خ‌الی‌ و م‌ط‌ن‌ظ‌ن‌ ک‌اری
 از‌ د‌س‌ت‌ان‌ س‌اخته‌ ن‌ی‌س‌ت‌ . از‌ س‌وی
 د‌ی‌گر‌ کار‌زار‌ ت‌ب‌لی‌غ‌اتی‌ ر‌ژ‌یم‌ آ‌خ‌وند‌ی‌ ع‌لیه‌



بقیه : اهمیت مبارزه منفی...

دهند . نمیگوئیم که آنچه تاکنون در این باره بانجام رسیده است ناچیز بسوه ویا تاثیری نداشته است . آنچه تابحال شده کم نبوده و تاثیر فراوانی هم داشته است . لیکن منظور آنستکه اینها هنوز کافی نیست و محتاج کار بیشتری است .

مبارزه منفی از چندین جهت برای جنبش دستاورد های بزرگی بدنیال دارد : بدون آنکه انرژی فراوانی مصرف کند نتایج بسیاری بیارمیاورد ، دشمن باهمه کس طرف است اما نمیتواند و نمیداند ضربه را بر کجا وارد آورد ، هیچ هزینه مادی برای جنبش در بر ندارد ، میتواند در زمان نامحدود ادامه یابد بدون آنکه دشمن بتواند بطور مشخصی از پس آن برآید ، پشتیبان بزرگی برای نیروی پیشمرگ است ، روحیه دشمن را درهم میریزد و در مقابل روحیه پیشمرگ را تقویت میکند ، تخم تردید و نگرانی مداوم در دل عوامل رژیم می پاشد و بآنان خواهد فهماند که با همه مردم کردستان طرفد نه با یک گروه مخصوص و معدوم ،

توده های مردم توضیح داده شود . مبارزه منفی توده های مردم بسوا فعالیت های مسلحانه پیشمرگان باید هماهنگ گردد و با آن تلفیق شود چرا که هر دو نوع مبارزه مکمل همدیگرند . بدیهی است همچنانکه گفتیم امروزه در کردستان صورتهای گوناگونی از این مبارزه بچشم میخورند . لیکن باید اقرار کرد که بطور کامل از آن بهره برداری نمیشود ، خوب سازماندهی نگشته است ، کانالیزه نشده و بیشتر شکل پاره پاره و خود بخودی دارد ، فاقد طرح و برنامه مشخصی است و آنچنانکه شایسته است بآن اهمیت داده نمیشود . وظیفه سازماندهی و گسترش دادن و کانالیزه کردن و برای آن برنامه ترتیب دادن قبل از همه بر عهده کادرها و اعضای حزب است و آنها هستند که بایستد رهنمون و سرمشق توده های مردم باشند . آنان باید جلو بیفتند و از هر مساله بزرگ و کوچکی استفاد کنند و مقاومت علیه جمهوری اسلامی را سازمان



و این امر روحیه آنها را در کارشان بطور کامل تضعیف خواهد کرد. از نظر امکانات هم فشار زیادی بر نیروهای رژیم وارد می‌آید زیرا که نمی‌توانند از امکانات کردستان استفاده کنند و باید همه چیز را خود تهیه کنند که اینهم همانطور که گفتیم کار بسیار مشکلی است.

بنابراین اگر مبارزه منفی توده‌های مردم با مبارزه مسلحانه پیشمرگان تلفیق شود و در مناطقی مختلف حلقه ارتباط محکم بین این دو شیوه مبارزه برقرار گردد و خلاصه مکمل هم گردند، شکی نیست که چندان نخواهد گذشت نیروهای مزدور رژیم در کردستان از تاب و توان خواهند افتاد و با سرافکنگی مجبور به ترک میدان خواهند شد.

مبارزه عموس و همه‌جانبه مردم کردستان، هرچند با وضع فعلی و در حدی که تاکنون هم بانجام رسییده است بالاخره افق آینه‌ها را بر نیروهای رژیم تاریک کرده است اما با استفاده

کامل از همه راه‌های گوناگون مبارزه، بیگمان زمان در هم شکستن نیروهای رژیم کوتاه‌تر خواهد شد و پیکر روزی سریع‌تر بدست خواهد آمد. * *

بقیه: مصاحبه با

توجهی در کردستان و بویژه در شمال در مرزهای ایران و ترکیه هستیم. از اینرو طرف‌شدن رژیم ترکیه با نیروهای ما چندان آسان هم نیست. دوم آنکه رژیم تهران هم این دخالت را تحمل نمی‌کند. از اینها گذشته نباید از نظر دور داشت که مرزهای ایران و ترکیه به اتحاد شوروی نزدیک است. هر گونه دخالتی از آن نوع که شما می‌گوئید تهدیدی برای اتحاد شوروی بشمار خواهد رفت بویژه از سوی دولتی که عضو پیمان ناتواست. بنابراین ما به ششم توافق نامه بین ایران و اتحاد شوروی که در سال ۱۹۲۱ بعمل آمده است اتحاد شوروی در برابر تهدید مرزهای مشترک در کشور از سوی ارتش شورمالث حق مداخله در ایران را دارد. این توافقنامه از نظر اتحاد شوروی هنوز هم بقوت خود باقی است. * *



“ ترور ” و “ تروریسم ”

مسأله “ ترور ” و “ تروریسم ” امروزه به یکی از مهمترین مسائلی که در جهان تبدیل شده است. از اینرو یک بررسی کلی و اجمالی از تروریسم را بی‌مناسبت نمیدانیم، هرچند بحث درباره حدود حکومت و یا برعکس حدود مشروعیت احتمالی ترور و جنبه‌ها و صورتهای گوناگون آن و نیز رایل پیدایش و رشد و گسترش این پدیده مستلزم تحقیقات و بررسی‌های مفصل و نوشتن کتابها و رسالات متعدد است. در یک برخورد خشک و آکادمیک میتوان ادعا کرد که تروریسم محصول کج اندیشی‌ها و افکار بیمارگونه‌ای است که راه وصول به اهداف سیاسی را در نابودی فیزیکی افراد جستجو میکند. اما همچنانکه گفتیم این یک برخورد خشک بیشتر نیست. زیرا که واقعیات تلخ جهان امروز بسیاری اوقات صورت دیگری به قضایه میدهد و نمیتوان انکار

کرد که یکی از علل اصلی بسط و گسترش تروریسم وجود نظامهای ستمگر و متجاوز و سرکوب کننده است که راه را بر هرگونه مبارزه، مسالمت آمیز و مخالفت مشروع سیاسی می‌بندند.

رویه صرفته برای سهولت بحث میتوان تروریسم را بدو گونه تقسیم کرد: تروریسم دولتی و تروریسم فردی یا سازمانی.

در گذشته دولتها معمولاً از اقدامات تروریستی بطور آشکارا حمایت نکرده‌اند و همه نگران و مراقب بوده‌اند که مبارز به حمایت از تروریسم که اوج نقض قوانین و عرف و رسوم بین‌المللی شناخته شده است متهم گردند. اما در حال حاضر دولتها و رژیمهای استبدادی نه تنها استقناده از شیوه‌های تروریستی را در وصول به اهداف خویش موردنظر میدانند بلکه خود بطور عریان و تقریباً بشیوه‌ای



رسمی چه در داخل و چه در خارج از آن بهره‌برداری می‌کنند. این رژیمها در داخل کشور با استفاده از ترور به سرکوب مخالفین خسور و دگراندیشان می‌پردازند و با این وسیله حاکمیت انحصاری خویش را بزور بر مردم تحمیل می‌کنند، و در خارج از کشور نیز در جهت خفه کردن صدای همدردی و همبستگی آزادخواهان و واداشتن دولتها به قبول برخی اهداف و در بعضی موارد بمنظور شانناژ و تحمیل ایدئولوژی و نظر خاص به اعمال تروریستی متوسل میشوند.

رژیم خمینی در صدر کشورهای است که تقریباً بطور رسمی از تروریزم پشتیبانی میکنند و در بکارگیری این شیوه بطور آشکار و در سطح وسیع چه در داخل و چه در خارج کشور هیچ فرصتی را از دست نمیدهند. دار و دسته خمینی از همان روزهای تکوین انقلاب بنای کار را بر ترور مخالفین و ایجاد وحشت و خشونت نهادند. جنایاتی نظیر ایجاد انفجار در اماکن عمومی و فروشگاهها، آتش

کشیدن موسسات عامه و سینماها، بخصوص سینما رکس آبادان، ترور و قطعه قطعه کردن گاه‌بگاه بعضی از عوامل دولتی در انظار عموم و سپس اقدامات جنایتکارانه پس از پیروزی انقلاب نظیر ربودن مخالفان و سر به نیست کردن آنها، تیغ زنی و اسید پاشی بر روی زنان و بطور کلی ترور در سطح وسیع و سازمان یافته ارمغان وره آورد این نظام است.

ارتکاب قتل عامهای وحشتناکی نظیر آنچه که در قارنا، قلاتان، سبزی، سرچنار، ایندرقاش و دهها روستای دیگر کردستان روی داد و بطور کلی ژنوسید خلق کرد تنها نمود و ظواهری هستند که در برابر دیدگان عموم انجام می‌گیرند و در برابر آنچه که در زندانهای رژیممان می‌گذرد و جنایاتی که نسبت به فرزندان برومند خلقهای ایران در سراسر ایران بانجام میرسد به بخش ظاهری یخهای شناور میانند که در برابر گل آنچه در زیر آب پنهان است جزئی بیش نیست.

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی





نقش حافظ قانون را بازی کند . از اینجا
 میتوان حدس زد که اگر تروریست‌ها
 در مقام رادستانی انجام وظیفه کنند
 نمایندگان مجلس و شورای نگهبان و
 ریاست جمهوری و فرماندهان سپاه چه
 گونه کسانی هستند ؟

در سطح بین المللی نیز رژیم
 خمینی با استفادۀ از شستشوی مغزی
 افراد ناآگاه و تحریک احساسات مذهبی
 افراد متعصب از آنان جنایتکاران
 حرفه‌ای و تروریست میسازد و از راه
 اقدامات تروریستی و مداخله در امور
 داخلی کشورهای جهان و نقض آشکار
 حقوق بشر به ایجاز بحران و ناامنی
 در جهان کمک می‌کند . از جمله این
 اقدامات میتوان از اقدام ناموفق ترور
 بختیار و ترور افرادی نظیر اویسی
 و فرزند اشرف در فرانسه گرفته تا
 تشویق هواپیمارایی نظیر هواپیماهای
 مسافربری قرانسوی و کویتی ، مین گذاری
 در آبهای بین المللی و ناامن کردن
 راههای دریایی ، اعزام تروریست به
 کشور لبنان و کویت و سایر کشورهای
 عربی و در این اواخر توقیف کشتی‌ها

در حمله به سفارت آمریکا در تهران
 و بگروگان گرفتن کارمندان آن آشکارا
 همه قوانین و معاهدات و رسوم
 بین المللی را نقض کردند . بموجب
 اصول مورد قبول نمایندگان سیاسی
 دولتها و اماکن آنان باستناد اصل
 برون مرزی " مصون از تعرضند . این
 مصونیت تنها شامل مصونیت قضایی
 یعنی معافیت از تعقیب جزائی و مدنی
 است بلکه حتی شامل مصونیت از ادای
 شهادت نیز میگردد . در چنین
 شرایطی سردمداران رژیم جمهوری
 اسلامی به سرگردگی " موسوی خوئینی‌ها
 همه قوانین بین المللی را زیر پا
 میگذارند و بعملی مبارز میورزند که
 در تاریخ روابط سیاسی بین کشورها
 نظیر آن دیده نشده است و جز تروریزم
 دولتی نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد .
 جالب است که مسئول تروریست‌ها
 یعنی آخوند موسوی خوئینی‌ها که
 بهنگام مراسم حج بعنوان عنصر
 نامطلوب و آشوبگر از کشور عربستان
 سعودی اخراج می‌گردد هم اینک
 در سمت رادستانی گل کشور میخواهد



" تروریزم " یافته است یعنی
 فعالیت‌های مسلحانه افراد و گروه‌ها
 نمیتوان اینگونه قاطع حکم کرد و در واقع
 بسیاری از مواردی که نام و عنوان
 تروریزم فردی یا سازمانی یافته است
 چیزی نیست جز یک مبارزه مشروع
 علیه زور و دیکتاتوری و اشغالگری و
 جنایتکاری و تروریزم رژیمها و دولت‌ها.
 در جوامعی که حاکمیت منتخب
 مردم برقراری حقوق و آزادی‌های
 دموکراتیک را تضمین و از استقرار و ادامه
 آن دفاع می‌کند، اصل حاکمیت قانون
 بجای حاکمیت اشخاص و هوا و هوس
 آنان معتبر است و آراء اکثریت در تعیین
 سرنوشت جامعه قاعده‌های تخلف‌ناپذیر،
 و برابری افراد در برابر قانون حقیق
 مسلم و تضمین شده‌ای است، البته
 ارتکاب هر عملی که به نقض اصول و موارد
 فوق منتهی شود و به زیر نهادن حقوق
 و آزادی‌های دموکراتیک بیانجامد جرم
 تلقی می‌گردد. بعبارت دیگر اگر
 اقلیت بتواند در پیشبرد نظرات و
 اهداف مورد قبول جامعه شرکت
 داشته باشد و در انجام وظایف اجتماعی
 بقیه در صفحه ۳۸

در آبهای خلیج فارس نام برد. بنا بر
 اخبار خبرگزاریها و بر طبق شواهد
 بسیار رژیم ایران یکی از مراکز مهم
 سازماندهی تروریزم و تربیت آدمکشان
 حرفه‌ای و تروریست‌های انتحاری است.
 علاوه بر ایران خمینی البته
 در ولتهای بسیار دیگری نیز در دنیا
 با اقداماتی دست می‌زنند که جز تروریزم
 دولتی نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد.
 بعنوان مثال بمبارانهای مسدوم
 اردوگاههای فلسطینی از سوی نیروی
 هوایی اسرائیل و یا اینکه بازداشت
 مخفیانه و ربودن بیش از هزار نفر از
 ساکنان جنوب کشور لبنان و به حبس
 کشیدن آنها در زندانهای اسرائیل
 چیزی نیست جز یک عمل تروریستی که
 از سوی یک دولت انجام می‌گیرد.

اما بهر حال بدیهی است که
 تروریزم دولتی بطور کلی در هر رنگ و لباس
 و بهر شکل و شیوه‌ای که باشد کاملاً
 محکوم است و بهیچ روی قابل دفاع
 نیست. در حالیکه در باره نوع دیگر
 که تصادفاً بیشتر از نوع اول عنوان



بقیه : مباحثه با ←

صدر و هم شما را متهم می کند . رابطه شما با بنی صدر چگونه است؟

ج - در حال حاضر بین ما و بنی صدر هیچگونه رابطه‌ای وجود ندارد
س - آگاهان در مسایل سیاسی معتقدند که حکومت ایران در جنگ با عراق به هیچ پیروزی یا پیشرفتی نائل نخواهد آمد . بنظر شما سرنوشت رژیم خمینی تا چه حد با روند جنگ خلیج ارتباط دارد؟

ج - تا حد زیادی رژیم خمینی در یک بن بست نظامی گرفتار آمده است . میخواهد به جنگ ادامه بدهد ، برای ادامه دادن به جنگ هم لازم است که یک پیروزی بدست آورد هر چند این پیروزی بسیار کوچک هم باشد . ولی تاکنون به این پیروزی دست نیافته است چراکه توانایی جمع آوری و گسیل وسیع مردم به جبهه‌های جنگ را از دست داده است . معذالک اینهم نتوانسته است رژیم را بسوی صلح بکشانند . زیرا که قبول صلح با فلسفه

مربوط به صدور باصطلاح انقلاب اسلامی مغایرت دارد . من تا وقتی که خمینی زنده باشد بعید میدانم که این رژیم به صلح تن در دهد چراکه صلح چشم اندازی را نشان میدهد که خمینی و رژیمش از آن بیم دارند . وضع اقتصادی ریزی رژیم نیز پس از ضربه خوردن جزیره خارک بسرعت بسوی اشفتگی می رود . وضع سیاسی نیز در همین رابطه تغییری می یابد . با وجود همه اینها ، حقیقت آنستکه من چنان نیروی سراسری در ایران نمی بینم که بتواند این رژیم را سرنگون کند . اگر در سراسر ایران سه منطقه نظیر کردستان موجود میبود وضع بسیار تغییر می کرد . لیکن متأسفانه ما در مبارزه نظامی با رژیم تنها هستیم .

س - در باره مسأله کرد بین مقامات حکومتی هیچ فرقی می بینید؟

ج - هاشمی رفسنجانی ، از چند کانال گوناگون سعی کرد با ما تماس بگیرد . لیکن ما اعلام کردیم که گفتگو باید رسمی باشد . حال چه از سوی



نماینده دولت باشد، یا نماینده خود خمینی. دوباره تکرار میکنیم و در این باره هیچ شکی نداریم که رژیم خمینی بهیچوجه باین دو خواست ما کسه در مکرسی و خود مختاری استگودن نمی نهد.

س- شما میگوئید کوردستان تنها منطقه مقاومت است. لیکن بنظر میرسد که اپوزیسیون کرد مانند اپوزیسیون ایرانی در درون خود دچار مشکل تفرقه است، در این اواخر چند برخورد مسلحانه بین حزب مکررات و کومهله چپ گرا روی داده است؟

ج- آری، متأسفانه چندین برخورد با کومهله روی داده است. اما این بمعنی وجود تفرقه نیست. ما نماینده اکثریت قریب باتفاق خلق کورد در کوردستان ایران هستیم. راستش را هم بخواهید از سیاست کومهله سر در نمیاورم. آنان میخواهند این را بمانند بقبولانند که در کوردستان دارند با بورژوازی می جنگند! لیکن ما که بورژوازی نیستیم. ما جنبش آزادی بخش کوردستان ایران را رهبری میکنیم،

از کومهله هم هیچ انتظاری نداریم جز آنکه بپذیرد حزب مکررات کوردستان یک حرکت انقلابی است. اینهم بدان خاطر نیست که محتاج تأیید کومهله در این باره باشیم بلکه بیشتر بخاطر آینده کوردستان است.

س- نظرتان در مورد رابطه رژیم ایران و بارزانی ها چیست؟

ج- آنان نقش مزدور را دارند بنظر ما یا فرزندان بارزانی بمانند یک مزدور از سوی رژیم تهران رفتار میشود. رفتار آنان با اصول ابتدائی منافات دارد. بنظر ما هیچ ائتلافی نیاید. بزیران منافع خلق کرد تمام شود.

س- عقیده دارید که ترکیه روزی ممکن است در کوردستان ایران دخالت کند؟

ج- سیاست خصمانه حکومت ترکیه با خلق کرد بر کسی پوشیده نیست. لیکن این سیاست هم چهارچوب محدودی دارد. من این دخالت را بعید میدانم و دلایل بسیاری وجود دارد ترکها را از این امر مانع می گرداند. نخست آنکه ما دارای نیروی قابل



بقیه : فاسطینیا ن درچه ←

در مقابل فعالیت‌های ملك حسين نشانگر همان تفرقه و اختلافاتی است که ظرف سالهای گذشته همواره گریبانگیر آنها بوده است. سوریه و لیبی همچنان بظاهر در جبهه " تندروان " قرار دارند. آنها حصول هرگونه توافقی از این طریق را مردود و غیر ممکن می‌شمارند، و با این برداشت به مخالفت خود با بخش اصلی سازمان آزاد بیخس فلسطین، تحت رهبری یا سرعرفات که ظاهراً تا حد زیادی چشم به نتایج مثبت فعالیت‌های ملك حسين ر وخته است، ادامه میدهند.

اختلافات و کشمکش بیریای عراق و سوریه، بدلیل حمایت سوریه از خمینی در جنگ با عراق به نحو روزافزونی رو بوخامت بیشتری نهاده است، هرچند در این اواخر عربستان سعودی و ملك حسين سخت می‌کوشند پل‌های درهم ریخته روابط این دو کشور را مرمت نمایند.

جناح‌های تندرو سازمان آزاد بیخس فلسطین هم‌ضمن ادامه سیاست

رهبری سازمان آزاد بیخس فلسطین همچنان با حرارت ادامه دارد و خمینی ریاکار و عوام‌فریب به چیزی کمتر از آزادی " قدس عزیز " و انهدام کامل دولت اسرائیل رضایت نمی‌دهد. در چنین وضعیتی است که دولت‌های محافظه‌کار عرب، و در پیشاپیش آنها اردن، میاندار حل معرکه فلسطین شده‌اند. خواستی که امروزها ملك حسين در رابطه با حقوق فلسطینی‌ها طرح می‌نماید بمراتب متواضعانه‌تر و محدودتر از امتیازاتی است که در طرح ملك فهید برای مردم فلسطین پیش‌بینی شده بود. با وجود این ظاهراً چنین پیدا است که اکثریت کشورهای عرب و سازمان‌های فلسطینی به اقدامات ملك حسين چشم امید بسته‌اند و انتظار دارند لااقل فعالیت‌های وی بارآور نتایجی باشد.

در واقع موضوعگیری مختلف کشورهای عربی و سازمان‌های فلسطینی



مقامات پنتاگون صورت گرفته است،
نمایشنامه بنزین گیری هواپیماهای
جنگی اسرائیلی در فاصله ۲۰۰۰
کیلومتری از خاک اسرائیل را بروی
صحنه می آورند. اما کیست که از روابط
اسرائیل و امریکا کوچکترین آگاهی
داشته باشد و ادعاهای بی خبر بودن
امریکا را باور کند؟ هر فرد آگاه
به مسائل نظامی و یا خبر از روابط
موجود میان امریکا و اسرائیل می داند
که این عملیات با توافق پنتاگون و
همکاری پایگاههای آمریکایی در
مدیترانه به انجام رسیده است. کما
اینکه در حالت مستقیم امریکا بعد از
ماجرای ربوده شدن کشتی تفریحی
ایتالیایی توسط چند فلسطینی ظاهراً
تندرو که از طریق تعقیب هواپیماهای
مصری حامل ربا بندگان و مجبور کردن
آن به فرود در سیسیل و توقیف
مسافران هواپیما صورت گرفت مسلم
گردد.

ظاهراً هدف میلیتاریستهای اسرائیلی
از بمباران پایگاه سازمان آزاد بینخس
فلسطین در تونس نمایش قدرت رزمی

کجدار و مریز خود در مقابل کشورهای
محافظه کار عرب و پشتیبانی ناپیگیرانه
از فعالیتهای یا سرعرفات، دقیقه های از
حملات تبلیغاتی خود علیه فعالیتهای
ملك حسين کوتاه می کند.

خمینی مکار و ریاکار نیز در حالیکه
به معاملات پنهانی اسلحه با اسرائیل
ادامه می دهد همچنان بر ادامه
جنگ با عراق پای می فشارد و در
همان حال به گونه دم افزونی کارزار
تبلیغاتی علیه رهبری یا سرعرفات و
اقدامات تفرقه اندازی خود در درون
جنبش فلسطین را شدت می بخشد.

در گرما گرم این احوال هواپیماهای
اسرائیلی با حمایت ویاری نیمه آشکار
امریکا، مرکز سازمان آزاد بینخس فلسطین
در تونس را مورد حمله قرار می دهند
و در برابر چشمان بهت زده جهانیان
به آفرینش جنایت هولناک ریگری
درست می یازند. طراحان نظامی
اسرائیل بمنظور اثبات این ادعا که
گویا امپریالیزم امریکا از این ماجرای
جنایتکارانه اطلاعی نداشته و ایمن
با اکتفا به آگاهی و موافقت قبلی



اسرائیل و اثبات عجز و ناتوانی دنیای
عرب از معارضة با قدرتی بوده است
که امپریالیزم آمریکا و بسیاری از قدرتهای
غربی را حامی و پشتیبان خود دارد .
نتیجه این اقدام از نظر اسرائیل و
متحدان غربی وی مایوس کردن کامل
سازمانهای فلسطینی از امکان بازپس
گرفتن سرزمینهای اشغالیشان از طریق
نظامی است لیکن بدون تردید تمامی
تجاوزکاریهایی که در این مدت از ارتش
متجاوز اسرائیل سرزده، و هر شکست
و عقب نشینی که در جنبش فلسطین
پیش آمده است، پیش از آنکه نشانگر
توانایی نظامی اسرائیل باشد نتیجه
مستقیم تفرقه و اختلافی بوده است که
همواره در میان کشورهای عرب و
در درون جبهه آزاد بیخوش فلسطین
وجود داشته است . رهایی ملت
فلسطین پیش از هر چیز در گرو وحدت
نیروهای مبارز است . کمابسی
دنیای عرب است . ملت فلسطین باید
در هر کسوت و سیمایی سیاسی نمایند
گرگهای در پوست میش رفته ای چشون

خمینی و عوامل مزدور او را از درون
خود براند و به فرصت طلبان از هر
رنگ و قماش چه به راستگرایان
مصلحت پرست و سازشکار، و چه به
چیگرایان افراط کار اجازه ندهد
سرنوشت او را بازیچه سیاستهای
سود پرستانه و ماجراجویانه خود قرار
نهند . ملت فلسطین باید سعی کند
عوامل تفرقه و اختلاف را کنار بگذارد
اشعابیون سازمان آزاد بیخوش فلسطین
هم سرانجام باید به این حقیقت
پی برده باشند که نه از خمینی و نه
از زمامداران قدرت پرست و سلطه جوی
سوری نفعی در جهت رهایی
خلق در زنجیریشان عاید نخواهد شد .
خلق فلسطین و سازمانهای مبارز آن
باید صفوف مبارزاتی خود را متحد و
مشکل و یکپارچه سازند و آنگاه
صرف نظر از اختلافات مذهبی و
ایدئولوژیکی و با گرد آمدن بدور نقطه
مشترک اصلی، مسکنی را در دست
تجاوز آزاد بیخوش فلسطین مبارزه
در مورد شیوه مبارزه هم گریه
بقیه در صفحه ۴



بقیه: " ترور " و " تروریزم "

بدون ترس از تحمیل محدودیت‌ها و تعقیب و آزار بمقابله و مبارزه، مسالمت-آمیز اقدام نماید چه لزومی برای توسل به اقدامات قهرآمیز در بین است؟ اما اگر افراد نتوانند در برابر سلب آزادیه‌ها و حقوق اجتماعی خویش و علیه اقدامات سرکوبگرانه و خودگامانه نظام حاکم بر جامعه از شیوه‌های مسالمت-جویانه استفاده کنند آیا راه چاره‌ای جز مقاومت قهرآمیز که حقا عار لانه و جزو حقوق طبیعی انسانست در پیش خواهند داشت؟

در نظام‌های متکی بر حاکمیت

قانون، استفاده از شیوه‌های اعتراضی تحصن، تظاهر و اعتصابات بمنظور کسب حقوق صنفی و اجتماعی و سیاسی امری است قانونی و از حقوق دموکراتیک محسوب می‌گردد و تضمین آن جزو تعهدات نظام حاکم است. اگر در صورت بروز اختلاف و کشاکش بین معترضین و دستگاه حاکم توافقی صورت

نگیرد حکمیت و داوروری بدار گاه‌هایی که در چهارچوب قوانین مصوب مجلس یا مجالس منتخب از نمایندگان مردم عمل می‌کنند احاله می‌گردد. در چنین شرایطی بدیهی است که هرگونه اقدام قهرآمیز و خشونت‌بار که بمنظور رسیدن به خواسته‌های صنفی و سیاسی و غیره صورت بگیرد در چهارچوب هیچ قانون درستی جای نمی‌گیرد و قابل دفاع نیست. لیکن در نظام‌های استبدادی که فرصت مشارکت آزادانه در وظایف اجتماعی فراهم نیست و ترور اندیشه و پایمال کردن حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی امری معمول بشمار می‌آید چگونه میتوان هرگونه اقدام ضرورتاً قهرآمیز علیه نظام جبار حاکم را به تروریزم تعبیر کرد؟ برعکس آنرا یک مبارزه دموکراتیک که از حقوق طبیعی انسان ناشی می‌گردد بحساب نیارود؟ کدام وجدان منصف و معتقد به حق و عدالت میتواند بسیجاری از اقدامات انقلابی ملت در برداشته و آواره گشته فلسطینی را که بطور مداوم زیر فشار حکومت غاصب اسرائیل





این از نینو سنس منس...
 کم و بیش طبیعی در برابر تجاوز آشکار
 به حقوق انسانی نیست که دولت‌های
 استعمارگر و سلطه طلب و عوامل سرکوب
 آنها اعمال می‌کنند؟ و از سوی دیگر
 از کجا معلوم که همین دولت‌های زورگو
 و سرکوبگر خود برای رسیدن به مقاصد
 خاصی از جمله بی اعتبار کردن و متهم
 ساختن مقاومت‌تعداد لانه بمثابه یک سنگر
 بآن توسل نمی‌جویند؟!

کوتاه سخن : اقدامات تروریستی
 دولت‌ها از اقدامات انقلابی گروه‌ها
 و سازمان‌هاییکه در مسیر احقاق حقوق خلق‌ها،
 علیه نظام‌های سلطه‌گر و در نهایت علیه
 نظام‌های غاصب و اراپی و آزادی، خلق‌ها
 انجام می‌گیرد کاملاً جدا است.
 اقدامات تروریستی دولت‌ها جز به هدف
 استیلا بر منابع ثروت و تسلط بر

بشری ناشی میشود . منتها در مبارزه
 انقلابیون و سازمان‌های سیاسی علیه
 نظام‌های سرکوبگر و پایمال کننده حقوق
 لازم است که مرز و حدود اقدامات علیه
 نظام حاکم و سایر اشخاص کسه در
 تثبیت و ادامه حاکمیت نقش مشخصی
 برعهده ندارند کاملاً معلوم گردد .
 هیچگونه اقدام انقلابی علیه کسانی که از
 عوامل مشخص و فعال نظام سرکوب و ستم
 نیستند و احتمالاً خود در تضاد و مبارزه
 با نظام حاکم هستند نمیتواند تجویز
 گردد . هرچند بطور غیر مستقیم و یا بلحاظ
 ضرورت در چهارچوب آن نظام ممکن
 است ایفاگر نقشی نیز باشند . حریم
 افراد بیدفاع و بیگناه باید از حریم
 آنانکه در تثبیت نظام و دفاع از آن گام
 برمیدارند مشخص گردد و آنانکه نقشی



بقیه : فلسطینیان در چه
.....

بهر حال باز این خود فلسطینیان هستند که حق دارند و باید تصمیم بگیرند اما بهر حال اگر اتحاد و اتفاق حاصل باشد گمان می رود که هیچکس تردیدی در این مساله ندارد که ترکیب و تلفیق هر دو راه یعنی راه سیاسی و راه نظامی است که میتواند ضامن پیروزی در مبارزه ای اینچنین سخت و در شرایطی تا این حد دشوار باشد .

* * * *

بقیه : اطلاعیه دفتر سیاسی
.....

یک زندگی سعادت مند برای خلق ، مبارزه خود را همچنان ادامه بدهیم . این بهترین راه ارج نهادن باین دو شهید محبوب و گرانقدر است .

دفتر سیاسی
حزب مکران گوردستان ایران

۱۳۶۴ / ۹ / ۴

* * * *

رادیو صدای گوردستان ایران



همه روزه :

امواج کوتاه ردیفهای ۶۳ و ۷۵ متر
برنامه اصلی : ساعت ۲۵۱۲/۳۰ بعد از ظهر
عین این برنامه : " ۴ تا ۵ / ۳۰ "
برنامه کُردی روز بعد : " ۸/۳۰ تا ۷/۳۰ صبح